



دوفصلنامه تخصصی فقه نظام

سال دوم - شماره سوم - بهار و تابستان ۱۴۰۱

Bi-Quarterly feqhe nezam
vol. 2 no. 3 Spring & Summer 2022

بررسی فقهی ماهیت منصب نمایندگی مجلس شورای اسلامی

محمدسهیل بهرام‌نسب^۱

چکیده

از ابتدای شکل‌گیری مجلس شورای اسلامی، چستی ماهیت منصب نمایندگی، همواره مورد بحث بوده است. با توجه به اهمیت موضوع شناسی در استنباط حکم شرعی، بررسی فقهی ماهیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی در استنباط برخی از احکام «قانون‌گذاری» نقشی کلیدی دارد. در این مقاله، سیزده نظریه درباره ماهیت منصب نمایندگی، مورد نقد و بررسی گرفته است که عبارت‌اند از: «نمایندگی، نهادی مستقل و نو تأسیس»، «تفویض»، «قرارداد جمعی»، «تفویض و قرارداد جمعی»، «نظریه اندامی»، «جعل»، «نقابت و عرفات»، «نیابت»، «کارگزاری ولی فقیه»، «زمینه‌ساز وضع قانون»، «ولایت شرعی»، «وکالت شرعی» و «وکالت قانونی به همراه اذن ولی فقیه»؛ آنگاه پس از جمع‌بندی، نظریه جدیدی تحت عنوان «وکالت شرعی از سوی مردم و ولایت شرعی از جانب ولی فقیه» ارائه شده است. از این نظر، ماهیت نمایندگی، ترکیبی از وکالت شرعی و ولایت شرعی است؛ نماینده مجلس شورای اسلامی، وکیل شرعی از سوی مردم و ولی شرعی از جانب ولی فقیه است. روش این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها

ماهیت منصب نمایندگی، نماینده مجلس، مجلس شورای اسلامی، وکالت، ولایت.

^۱. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و دانش‌پژوه سطح چهار دوره تخصصی فقه سیاست مرکز جامع علوم اسلامی

ولی امر (عج). (نویسنده مسئول) | mohammadsheil395@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۴ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱

«فقه تقنین» از گرایش‌های فقه سیاست و فقه سیاست یکی از ساحت‌های «فقه نظام» است. در فقه تقنین، حکم فقهی موضوعات قانون‌گذاری بررسی می‌شود. با توجه به اهمیت موضوع‌شناسی در استنباط حکم شرعی، بررسی فقهی ماهیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی در استنباط برخی از احکام «قانون‌گذاری» نقشی کلیدی دارد؛ به گونه‌ای که اگر ماهیت این منصب به طور مثال وکالت باشد، احکام و ضوابط مربوط به وکالت در آن جاری می‌شود و اگر نیابت باشد، احکام و ضوابط نیابت بر آن مترتب می‌شود. بر این اساس، اثبات شرط عدالت برای نامزد نمایندگی، متوقف بر این است که پیش‌تر ثابت کرده باشیم که این منصب، دارای ماهیتی است که در آن، عدالت شرط است؛ چنان‌که این شرطیت در «ولّی» وجود دارد و اگر ثابت شود ماهیت منصب نمایندگی، «ولایت شرعی از جانب ولی فقیه» است در آن صورت، شرط تصدی این منصب، عدالت خواهد بود. بنابراین با توجه به نتایج فقهی کاربردی مهم در مسئله ماهیت منصب نمایندگی، تبیین ماهیت این منصب ضرورت دارد.

پرسش اصلی این تحقیق، چیستی ماهیت منصب نمایندگی در مجلس شورای اسلامی است و در پاسخ به این پرسش، پرسش‌هایی از قبیل چیستی مفاهیم «نماینده»، «مجلس شورای اسلامی» و اقوال مربوط به ماهیت منصب مذکور مطرح می‌شود.

این بحث برای اولین بار در کتاب *تنزیه الامّة مرحوم نائینی*^۱ مطرح شده و ایشان به نظریه «وکالت شرعی» معتقد شده است. پس از آن، در برخی کتاب‌های فقهی تحت عناوینی از قبیل «مشاوره و کارگزاری»،^۲ نظریه «وکالت از طرف مردم و اذن از جانب ولی فقیه»^۳ و نظریه «وکالت»،^۴ مطرح شده است. در کتاب‌های غیرفقهی نیز این بحث به صورت موردی تحت عناوینی مانند نظریه «نهاد مستقل»،^۵ نظریه «ترکیبی» (کارشناسی، رجوع به عرف،



۱. نائینی غروی، محمدحسین، *تنزیه الامّة و تنزیه الملة*، ص ۱۱۴.

۲. منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی، *دراسات فی ولایة الفقیه*، ج ۲، ص ۶۲.

۳. مؤمن قمی، محمد، *کلمات سدیدة*، ص ۲۰.

۴. عمید زنجانی، عباسعلی، *فقه سیاسی*، ج ۱، ص ۱۲۷.

۵. حبیب‌نژاد، احمد، *نمایندگی مجلس*، ص ۴۹.



برنامه‌ریزی)،^۱ نظریه «ولایت»،^۲ نظریه «وکالت»^۳ و نظریه «وکالت شرعی»^۴ نظریه‌پردازی شده است. تاکنون چند مقاله در این موضوع نوشته شده است که مهم‌ترین آنها عبارت است از: «ماهیت نمایندگی از منظر فقه سیاسی و قانون اساسی».^۵ پایان‌نامه‌ای نیز با عنوان «بررسی ماهیت فقهی نمایندگی مجلس»^۶ دفاع شده است. البته عنوان این پایان‌نامه، با عنوان مقاله حاضر تفاوت مفهومی دارد؛ زیرا «بررسی فقهی ماهیت نمایندگی» غیر از «بررسی ماهیت فقهی نمایندگی» است؛ چون در عنوان اول، ماهیت نمایندگی، یک ماهیت فقهی تلقی نشده است برخلاف عنوان دوم که از ابتدا، فرض بر ماهیت فقهی داشتن منصب نمایندگی است. امتیاز پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌هایی که تاکنون انجام گرفته این است که در این پژوهش، همه احتمالاتی که تاکنون مطرح شده در یک‌جا گردآوری شده و پس از بررسی و مقایسه آنها با یکدیگر، احتمال جدیدی به اثبات رسیده است.

فرضیه مقاله حاضر این است که ماهیت این منصب، ترکیبی از وکالت شرعی و ولایت شرعی است؛ نماینده مجلس شورای اسلامی، وکیل شرعی از سوی مردم و ولی شرعی از سوی ولی فقیه است.

مفهوم‌شناسی

ابتدا لازم است مهم‌ترین مفاهیم مورد بحث در این مقاله از نظر گذراننده شود.

۱. مجلس

۱. حکمت‌نیا، محمود، *آرای عمومی*، ص ۲۷۷.

۲. حسینی تهرانی، محمدحسین، *ولایت فقیه در حکومت اسلام*، ج ۳، ص ۱۷۳.

۳. جوادی آملی، عبدالله، *نسیم‌اندیشه دفتر سوم*، ص ۱۰۹.

۴. طباطبائی فر، محسن، *وجوه فقهی نقش مردم در حکومت*، ص ۳۳۲.

۵. ملک‌افضلی اردکانی، محسن و طاهری، محسن و دهنوی، حسین، «ماهیت نمایندگی از منظر فقه سیاسی و قانون اساسی».

۶. زارع خورمیزی، مهدیه، *بررسی ماهیت فقهی نمایندگی مجلس*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و حقوق.



کلمه مجلس در لغت از ریشه (ج ل س) و اسم مکان به معنای مکان نشستن است^۱ و در اصطلاح، هیئتی است که در هر کشور برای وضع و تصویب قوانین و نظارت بر اجرای آنها با رای مستقیم، مخفی و همگانی مردم انتخاب می‌شود. در کشورهایی که «تفکیک قوا» صورت گرفته است، پارلمان،^۲ قوه قانون‌گذاری را تشکیل می‌دهد.^۳

در ایران، نهاد قانون‌گذاری، مجلس شورای اسلامی است که از مجموعه‌ای از نمایندگان ملت تشکیل شده است. بنا بر اصل شصت و دوم قانون اساسی نمایندگان مجلس، با رای مستقیم و مخفی مردم انتخاب می‌شوند.^۴

۲. نماینده مجلس

نماینده مجلس در اصطلاح عبارت است از نماینده مردم در مجلس شورای ملی^۵ و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به فردی اطلاق شده است که با رأی مستقیم و مخفی مردم برای نهاد قانون‌گذاری برای مدت چهار سال انتخاب می‌شود.^۶

نظریه‌های ماهیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی

از زمان شکل‌گیری نهاد مجلس و تحقق منصب نمایندگی، چیستی ماهیت این منصب، موضوعی چالشی در علم فقه و حقوق بوده است. در تحلیل ماهیت منصب نمایندگی مجلس، نظریه‌های مختلفی مطرح شده است. ویژگی این مقاله در تبیین ماهیت نمایندگی مجلس در نظام جمهوری اسلامی ایران این است که این مسئله را بر مبنای انتخاب مردم و تأیید ولی فقیه و در چارچوب «مشروعیت ولایت فقیه» بر مبنای «نظریه انتصاب» بررسی می‌کند.

۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۳، ص ۹۱۴.

۲. parlmanet.

۳. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، ص ۷۶.

۴. متن کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه اصلاحات سال ۱۳۶۸.

۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ج ۵، ص ۷۲۵.

۶. متن کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه اصلاحات سال ۱۳۶۸.



به‌عنوان اجزاء نظریه ترکیبی ذکر شده، بخشی از وظایف و اختیارات نمایندگان است، نه اجزاء ماهیت نهاد نمایندگی.

۲. تفویض

این نظریه معتقد است مردمی که حق حکومت دارند، این حق را به دیگری واگذار می‌کنند. پس کسانی حق دارند رأی دهند که حق دارند حکومت کنند و این حق خود را به دیگری واگذار می‌کنند، اما کسانی که حق حکومت کردن ندارند - مثل اطفال - حق انتخاب کردن هم ندارند؛ زیرا انتخاب کردن به معنای تفویض حق حکومت خود به دیگری است. این نظریه در کلمات شهید مطهری به‌عنوان یک احتمال مطرح شده است.^۱

نقد

شهید مطهری در نقد این دیدگاه به درستی معتقد است که حکومت به مفهوم دموکراسی با حکومت به مفهوم اسلامی متفاوت است. حکومت اسلامی واقعاً ولایت و سرپرستی است و در این ولایت، رأی و اراده مردم دخالت ندارد، نه از قبیل تفویض حق حکومت از طرف مردم است و نه از قبیل توکیل، بلکه سلطه‌ای است الهی و واقعاً ولایت و سرپرستی و قیمومت است و موضوع یک سلسله احکام شرعیه نیز به‌شمار می‌رود.^۲

۳. قرارداد جمعی (اجتماعی)

برپایه این نظریه، نمایندگی مجلس، قرارداد جمعی میان اکثریت ساکنان یک محدوده جغرافیایی خاص و شخص یا اشخاصی با ویژگی‌ها و معیارهای مشخص است. این پیمان که در قالب فرآیند کاندیداتوری و انتخابات و در نتیجه تعیین نماینده، منعقد می‌گردد، دارای دو طرف قرارداد مستقل است:^۳ یک طرف، جمعی از مردم ساکن حوزه انتخابیه معین و طرف دیگر، نماینده است. اگر طی انتخابات، اکثریت مردم، به نماینده‌ای رأی دهند، همه مردم

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۵، ص ۱۹۱.

۲. همان، ج ۵، ص ۱۹۲.

۳. مستقل بودن در اینجا به معنای استقلال شخصیت حقوقی طرفین قرارداد است، نه شخصیت حقیقی؛ چون به لحاظ شخصیت حقیقی، نماینده، یکی از همان مردم است و استقلالی ندارد.

۱. نمایندگی، نهادی مستقل و نو تأسیس

درباره این نظریه تقریرهای مختلفی وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. «نمایندگی مجلس، عقدی جدید و مستقل در حوزه حقوق عمومی است. طرفین این قرارداد، به طور دقیق معلوم نیست؛ چون معلوم نیست که چه کسانی به چه فردی رأی داده‌اند. مفاد این قرارداد توسط قانون اساسی و دیگر قوانین عادی مشخص می‌گردد.»^۱ تقریر دیگر از این نظریه چنین است: «با توجه به ویژگی‌های نمایندگی سیاسی، از جمله غیرقابل واگذاری بودن، ملی بودن، استقلال رأی نماینده، مشارکتی بودن، مصونیت پارلمانی، می‌توان نمایندگی مجلس را یک عقد مستقل در نظر گرفت.»^۲ برخی نیز در عین حال که نمایندگی را یک نهاد مستقل و جدید دانسته‌اند، اما معتقدند در صورتی که بخواهیم این نهاد را با نهادهای حقوقی شناخته شده تطبیق دهیم، باید یک نظریه ترکیبی ارائه کنیم به گونه‌ای که بخشی از وظایف نمایندگان را «کارشناسی» و برخی را «مرجعیت از طرف عرف» و برخی را «برنامه‌ریزی» بدانیم.^۳

نقد

در تقریر نخست از این نظریه، هیچ دلیلی بر مدعا ارائه نشده است در حالی که، لازم است چستی این نهاد با ذکر دلیل به طور شفاف تبیین شود. در تقریر دوم نیز، اگرچه با بیان ویژگی‌هایی از این منصب تلاش شده، آن ویژگی‌ها بر این نظریه تطبیق شود، اما اولاً، برآیند چنین ویژگی‌هایی لزوماً چنین نظریه‌ای نیست؛ زیرا - چنان‌که در تبیین دیدگاه نگارنده خواهد آمد - این ویژگی‌ها بر نظریه وکالت شرعی هم قابل تطبیق است و اشکالات بدوی نظریه وکالت شرعی هم جواب متقن دارد؛ ثانیاً، در این تقریر، چستی ماهیت نمایندگی، مورد تبیین قرار نگرفته و صرفاً برای آن یک عنوان مبهم در نظر گرفته شده است. تقریر سوم نیز به اشکال تقریر اول مبتلاست؛ افزون بر اینکه ادعای «نظریه ترکیبی» هم وجه درستی ندارد؛ زیرا آنچه

۱. حبیب نژاد، احمد، نمایندگی مجلس حقوق و وظایف، ص ۶۴.

۲. ملک‌افضلی اردکانی، محسن و طاهری، محسن و دهنوی، حسین، «ماهیت نمایندگی از منظر فقه سیاسی و قانون اساسی»، ص ۵۳؛ کربلانی حسن، بررسی ماهیت فقهی حقوقی نمایندگی مجلس شورای اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، ص ۷۰.

۳. حکمت‌نیا، محمود، آرای عمومی، ص ۲۸۸.



متعهد، مکلف و محکوم به تبعیت از دیدگاه آنانند و جلب رضایت اقلیت به منظور انعقاد و صحت نمایندگی شخص منتخب، الزامی نیست.^۱

نقد

این نظریه، بیانی مبهم و کلی از ماهیت نمایندگی است و تلاش کرده است با عنوان کلی «قرارداد»، فرآیند تعیین نماینده را حل کند درحالی که، حتی همین عنوان کلی، نیاز به اثبات دارد؛ زیرا احتمال دارد ماهیت نمایندگی، تفویض باشد که در این صورت اساساً قرارداد نیست. براین اساس، صاحب این نظریه باید تعیین مبنای خود را با نقد احتمالات معارض، اثبات کند.

۴. تلفیق تفویض و قرارداد جمعی

براساس این نظریه، نمایندگی، افاضه و قبول تفویض حق و حقوقی ویژه، در قالب قراردادی جمعی است که میان همه یا اکثریت مردم یک محدوده خاص جغرافیایی و شخص نماینده در فرآیند انتخابات منعقد می‌شود و نماینده، شخصی است که مردم با حضور در انتخابات، با او قراردادی منعقد می‌کنند تا براساس آن، در قبال تسهیلاتی که به او تعلق می‌گیرد، حقوق و وظایف معینی را انجام دهد. این حقوق - که در اصل از آن مردم است - با انعقاد این قرارداد جمعی، به نماینده تفویض می‌شود و از آن پس مردم از اِعمال آنها ممنوع می‌شوند؛ چراکه آنها را به مدتی معین، به نماینده تفویض کرده‌اند.^۲

نقد

همان نقدهایی که بر نظریه دوم و سوم وارد شد، بر این نظریه نیز وارد است، با این توضیح که اگرچه در این نظریه با گنجاندن تفویض در کنار قراردادی بودن، سعی شده اشکال قراردادی بودن صرف را رفع کند، ولی با توجه به اینکه این نظریه در واقع اجزاء ماهیت نمایندگی را تفویض و قرارداد می‌داند، هر یک از این دو جزء ادعایی، باید بتواند به‌عنوان جزئی از ماهیت

^۱. آهانگران، محمدرسول و صادق‌پور، محمدجعفر و میربد، علیرضا؛ «تحلیل ماهیت نمایندگی مجلس در نظام جمهوری

اسلامی ایران»، ص ۳۱۲.

^۲. همان، ص ۳۱۵.





نمایندگی تصویر شود درحالی که، چنین تصویری با توجه به نقدهایی که بر نظریه دوم و سوم گذشت، محل خدشه است.

۵. نظریه اندامی

براساس این نظریه، ملت، دارای شخصیت حقوقی و اراده مستقل هستند و مجلس قانون‌گذاری، اندام ابراز اراده این شخص حقوقی است. این نظریه معتقد است ملت مانند اشخاص طبیعی، اراده خود را به وسیله اندام‌های ویژه بیان می‌کند که قوه مقننه پاره‌ای از وجود این شخصیت و وسیله بیان اراده اوست. پس هیچ‌گاه اراده نمایندگان مجلس، جدا از اراده ملت نیست؛ همان اراده ماست که به وسیله این عضو بیان می‌شود.^۱

تقد

اینکه ملت دارای شخصیت حقوقی واقعی و دارای اراده مستقل باشد، چیزی جز بیان یک فرض نیست. حتی اگر اصالت اجتماع هم پذیرفته شود و نظریه اصالت فرد رد شود، معلوم نیست که بتوان اراده مستقل از افراد برای جامعه تصور کرد و بر فرض هم که اراده‌ای داشته باشند، اینکه این اراده باید توسط اندامی به نام مجلس ابراز شود، تنها یک تصور و توهم است؛ زیرا اینکه شخصیت حقوقی ولو حقیقی باشد - باید مانند انسان، اندامی برای ابراز اراده داشته باشد و این ابزار هم مجلس است، قیاسی است که فقط درصدد توجیه است.^۲

۶. جعاله

جعاله یکی از عقود شرعی است و عبارت است از ملتزم شدن جاعل به دادن عوض به عامل در قبال انجام عملی که حلال و مقصود عقلاست.^۳ برخی، ماهیت نمایندگی را جعاله

^۱. حکمت‌نیا، محمود، *آرای عمومی*، ص ۲۸۷.

^۲. همان.

^۳. حلی نجم الدین، جعفر بن محمد، *شرائع الإسلام*، ج ۳، ص ۱۲۶.

دانسته‌اند به این بیان که نمایندگان در قبال انجام وظایف نمایندگی - که اعمالی حلال و مقصود عقلاست - مزایا و حقوق دریافت می‌کنند.^۱

نقد

ماهیت منصب نمایندگی را نمی‌توان جعاله دانست؛ زیرا اولاً، این نظریه، بیانگر ماهیت نمایندگی نیست، بلکه توجیه‌کننده فرآیند دریافت مزد است؛ ثانیاً، جعاله در فقه احکامی دارد که قابل تطبیق بر این منصب نیست. جعاله عقدی است که احتیاج به ایجاب از سوی جاعل دارد، یعنی جاعل باید جمله‌ای را انشاء کند که دلالت بر عقد جعاله از سوی او کند^۲ در حالی که، در منصب نمایندگی چنین ایجابی از سوی جاعل (انتخاب‌کنندگان) صورت نمی‌گیرد. از احکام دیگر جعاله این است که این عقد، قبل از تمام شدن عمل از سوی عامل، عقدی جایز از سوی طرفین است، حتی پس از شروع عمل توسط عامل، یعنی هر کدام از طرفین می‌توانند عقد را فسخ کنند^۳ در حالی که، چنین حق فسخی در منصب نمایندگی وجود ندارد.

۷. نقابت و عرافت

برخی بر این باورند که ماهیت نمایندگی مجلس و رابطه میان مردم و نماینده مجلس را می‌توان از طریق عنوان نقابت تبیین کرد.^۴ نقیب در لغت به معنای عریف یعنی کسی است که شاهد و کفیل یک گروه باشد.^۵ این نظریه بر اساس پیشینه تاریخی این عنوان در اسلام شکل گرفته است.^۶

۱. زارع خورمیزی، مهدیه، بررسی ماهیت فقهی نمایندگی مجلس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و حقوق، ص ۴۷؛ کربلانی، حسن، بررسی ماهیت فقهی حقوقی نمایندگی مجلس شورای اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ص ۶۷.
۲. موسوی خمینی (ره)، روح الله، تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۵۸۶.
۳. همان، ج ۱، ص ۵۸۹.
۴. زارع خورمیزی، مهدیه، بررسی ماهیت فقهی نمایندگی مجلس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و حقوق، ص ۴۸.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۱، ص ۲۲۷.
۶. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۴۱۸.



نقد

این نظریه نیز نمی‌تواند بر منصب نمایندگی تطبیق داده شود؛ زیرا بنابر شواهد تاریخی،^۱ انتخاب نقیب، با انتصاب بوده است و این بر منصب نمایندگی که براساس انتخابات آزاد است، قابل تطبیق نیست.

۸. نیابت

«نیابت» در فقه به معنای این است که «نایب» خودش را در عمل، نازل منزله «منوب عنه» قرار دهد.^۲ برخی معتقدند که نماینده مجلس، نایب از سوی مردم است و قوه قانون‌گذاری عبارت است از کسانی که امت در انتخابی آزاد، آنها را انتخاب می‌کنند تا نایب آنها در جعل قوانین درست شوند.^۳

نقد

این نظریه نیز قابل تطبیق بر منصب نمایندگی نیست؛ زیرا در نیابت، منوب عنه حق انجام عمل مورد نیابت را دارد درحالی‌که، در نمایندگی مجلس، منوب عنه (مردم) حق انجام اعمال مربوط به قوه مقننه را ندارند.^۴ یعنی مردم از لحاظ قانونی نمی‌توانند در فرآیند قانون‌گذاری دخالت مستقیم داشته باشند و رای بدهند و یا سایر وظایف نمایندگان را انجام دهند. این محدودیت را خود مردم با علم به قانون نمایندگی پذیرفته‌اند. همچنین نایب هرگز نمی‌تواند در راستای نیابت خود، اقدامی علیه منوب عنه انجام دهد مثلاً علیه او جعل مالیات کند درحالی‌که، نماینده، گاه به ضرر حوزه انتخابیه خود، و به نفع کل کشور، اقدامات خاصی انجام می‌دهد.^۵



۱۳۲

۱. همان.

۲. انصاری، مرتضی، کتاب‌المکاسب، ج ۲، ص ۱۴۶.

۳. حبیب نژاد، احمد، نمایندگی مجلس، ص ۶۱.

۴. همان.

۵. آهنگران، محمدرسول و صادق پور، محمدجعفر و میربد، علیرضا؛ «تحلیل ماهیت نمایندگی مجلس در نظام جمهوری اسلامی ایران»، ص ۳۰۱.

۹. کارگزاری ولی فقیه

براساس این نظریه، نمایندگان تنها کارگزاران، مشاوران و مجریان ولی فقیه در تنظیم و تدوین و نه وضع قوانین مورد نیاز هستند و حداکثر، آن است که ولی فقیه، انتخاب این کارگزاران را به مردم واگذار کرده است؛ در نتیجه منصب نمایندگی، منصب کارگزاری و مشاوره ولی فقیه است.^۱

نقد

در نقد این نظریه گفته شده است که طبق اصل ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی، یکی از اوصاف نمایندگی، آزادی کامل و حق اظهارنظر در مقام نمایندگی و در مورد مسائل داخلی و خارجی است و این با فرض کارگزار بودن نمایندگان مجلس سازگاری ندارد؛ چراکه لازمه کارگزاری، اطاعت بی چون و چرا از ولی فقیه است.^۲

۱۰. زمینه‌سازی وضع قانون

براساس این نظریه، از آنجا که وضع قانون، اولاً و بالذات از وظایف ولی فقیه است و انجام چنین عملی، متوقف بر داشتن ولایت است، نمایندگان نمی‌توانند واضع قانون باشند؛ چون ولایت ندارند و امکان تفویض ولایت به آنها نیز وجود ندارد؛ چون ولایت در یک امر، قابل تفویض نیست، مگر به کسی که خود، ولایت داشته باشد یعنی فقیه باشد. از این رو نمایندگان صرفاً زمینه‌ساز وضع قانون هستند و مقدمات آن را انجام می‌دهند و در واقع، وضع قانون و مشروعیت تقنین در شورای نگهبان و با تأیید فقهای آن شورا رخ می‌دهد؛ چون آنان فقیه هستند و ولایت دارند و در واقع، ولی فقیه با رفع ید از ولایت خود در تقنین، اعمال این ولایت را به فقهای شورای نگهبان تفویض کرده است و آنان به جهت فقیه بودن، ولایت دارند و از این ولایت استفاده می‌کنند و با تأیید قوانین تصویب شده در مجلس، در واقع به آن

۱. حبیب‌نژاد، احمد، نمایندگی مجلس، ص ۵۸ و ص ۶۰؛ منتظری، حسینعلی، *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامية*، ج ۲، ص ۶۴؛ مصباح یزدی، محمدتقی، *حقوق و سیاست در قرآن*، ص ۱۶۳ و ص ۱۶۴.

۲. ملک‌افضلی اردکانی، محسن و طاهری، محسن و ده‌نوی، حسین، «ماهیت نمایندگی از منظر فقه سیاسی و قانون اساسی»، ص ۴۴.



۱۳۳۳

بررسی فقهی منصب نمایندگی مجلس شورای اسلامی



مصوبات مشروعیت فقهی می دهند به این معنا که تأیید فقهای نگهبان، همان وضع فقهی قانون تلقی می شود.^۱

نقد

در نقد این نظریه باید گفت، این گونه نیست که نمایندگان قابلیت پذیرش ولایت را نداشته باشند، بلکه امکان تفویض ولایت در محدوده قانون گذاری از سوی ولی فقیه به آنها وجود دارد. براین اساس، نمایندگان می توانند براساس ولایتی که ولی فقیه به آنان در محدوده تقنین تفویض کرده است، اعمال ولایت کنند و قانون گذاری کنند. شاهد بر این سخن، کلامی است که در نظریه بعدی از مقام معظم رهبری نقل می شود که در آن، به ولایت نمایندگان تصریح شده است.

۱۱. ولایت شرعی

طبق این نظریه، مشروعیت تقنین و نظارت نماینده مجلس، از باب ولایتی است که ولی فقیه به او اعطا کرده است.^۲ مبنای این نظریه این است که ولی فقیه، برای تحقق منصب تقنین برای نمایندگان، با تأیید و تنفیذ عامی که نسبت به قانون اساسی کرده از یک سو - براساس اصل مشارکت مردم و طبق اصل ۶۲ قانون اساسی^۳ - حق انتخاب نمایندگان را به مردم تفویض کرده و از سوی دیگر، به نمایندگان منتخب، ولایت در تقنین را تفویض کرده است. پس در واقع ولی فقیه با تأیید قانون اساسی، در موضوع تقنین، دو تفویض غیر مستقیم ولایت انجام داده است: یکی به مردم در محدود انتخاب نمایندگان^۴ و دیگری به نمایندگان منتخب در محدوده تقنین و امور مربوط به آن.

۱. این نظریه از سوی برخی از اندیشوران معاصر در فقه سیاسی به طور ضمنی مطرح شده و هنوز به صورت مکتوب منتشر نشده است.

۲. مدرسی یزدی، سید محمدعلی، *تقریرات خارج فقه تقنین*، سال ۱۳۹۵؛ مرکز جامع علوم اسلامی ولی امر (عج).

۳. اصل ۶۲: مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رای مخفی انتخاب می شوند تشکیل می گردد. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

۴. گفتنی است، ولایت بر این انتخاب، اولاً و بالذات در اختیار خود ولی فقیه است، ولی از باب مردم سالاری دینی و اجرای اصل مشارکت مردم و روش اداره جامعه از طریق قوای سه گانه که خود ولی فقیه با تأیید قانون اساسی آن را تأیید و تنفیذ کرده است، ولی فقیه، این ولایت را در همین محدوده به مردم تفویض کرده است.

برای این نظریه دو شاهد وجود دارد: مرحوم آیت الله شیخ فضل الله نوری، با رد نظریه وکالت، ماهیت منصب نمایندگی را ولایت می‌داند: «گاهی با بعضی مذاکره می‌شد که این دستگاه قانون‌گذاری چه معنا دارد؟ چنین می‌نماید که جعل بدعتی و احداث ضلالتی می‌خواهند بکنند و آلا وکالت چه معنی دارد؟ موکل کیست؟ موکل فیه چیست؟ اگر مطالب امور عرفیه است، این ترتیبات دینیه لازم نیست و اگر مقصد، امور شرعیه عامه است، این امر راجع به ولایت است، نه وکالت»^۱.

مقام معظم رهبری خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی فرموده‌اند: «ولایتی که امروز شما دارید - قانون‌گذاری، ولایت است - یک ولایت الهی است؛ ریشه در ولایت الهی دارد؛ برخاسته و پدید آمده از ولایت الهی است. این مردم‌سالاری دینی که ما می‌گوییم، معنایش این است، یعنی نماینده مجلس شورای اسلامی از این طریقی که در قانون اساسی برای مجاری اعمال ولایت الهی معین شده، یک ولایتی پیدا کرده است که این شد یک تکلیف؛ بنابراین آنچه که در مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود، برای من شخصی و نوعی واجب الاتّباع است و بایستی بر طبق او عمل کنم. این مبنا، مبنای اسلامی است»^۲.

نقد

اشکال نظریه مذکور این است که ماهیت منصب نمایندگی را از جهت نسبت نماینده با مردم (انتخاب‌کنندگان) مشخص نکرده است، بلکه فقط وجه مشروعیت تقنین و نسبت ولی فقیه با نماینده و مردم را تبیین کرده است در حالی که، منصب نمایندگی دو طرف دارد: از یک سو، مرتبط به ولی فقیه و حاکم اسلامی است و از سوی دیگر، با مردم پیوند خورده است و لازم است در تبیین ماهیت نمایندگی، ماهیت این منصب نسبت به هر دو طرف، شناسایی شود.

چنان‌که در بیان نظریه چهاردهم (نظریه نگارنده) خواهد آمد، ولایت بخشی از ماهیت نمایندگی است و مقام معظم رهبری علاوه بر ولایت، بر وکالت هم تصریح کرده‌اند که تأییدکننده نظریه چهاردهم است.

۱. حبیب‌زاد، احمد، نمایندگی مجلس، ص ۵۲.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۲۱/۰۳/۱۳۸۷.



۱۲. وکالت شرعی

نظریه وکالت یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها در تبیین ماهیت نمایندگی است. این نظریه بیش از سایر نظریه‌ها مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. براساس این نظریه، از آنجا که وکالت در فقه به معنی «واگذار کردن کار به دیگری» است^۱ و نماینده در واقع کار تقنین و نظارت را به عهده می‌گیرد، می‌توان عنوان وکیل شرعی را بر او تطبیق کرد.

مرحوم نائینی از طرفداران این نظریه است. ایشان در پاسخ به شبهه عدم انطباق ماهیت نمایندگی به باب وکالت شرعی می‌فرماید: «تطبیق به باب وکالت شرعی ممکن است.»^۲ بعد از انقلاب، در جریان مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی برخی از اعضا مجلس خبرگان، از نمایندگی با عنوان وکالت تعبیر کرده‌اند: «وقتی مردم کسی را به‌عنوان نماینده انتخاب می‌کنند، وکیل مردم است، ولی وکیل در توکیل نمی‌تواند باشد، یعنی نمی‌تواند سمت نمایندگی را به دیگری واگذار کند.»^۳

سوگندنامه نمایندگان مجلس نیز شاهی بر این نظریه است: «من در برابر قرآن مجید، به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که ... در انجام وظایف وکالت، امانت و تقوی را رعایت نمایم.»^۴



۱۳۶

دوفصلنامه تخصصی فقه نظام ■ سال دوم ■ شماره سوم ■ بهار و تابستان ۱۴۰۱

۱. موسوی خمینی، روح الله، کتاب البیع، ج ۵، ص ۲۹۵.

۲. نائینی غروی، محمدحسین، تنبیه الأمة و تنزیه الملة؛ ص ۱۱۴.

۳. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص ۸۴۳.

۴. اصل ۶۷ قانون اساسی.

حضرت امام خمینی (ره)،^۱ آیت الله جوادی آملی^۲ و آیت الله منتظری^۳ از طرفداران نظریه وکالت‌اند.

نقد

بر این نظریه، در مجموع، چهارده اشکال وارد شده است. از آنجا که نظریه مختار، ترکیبی از وکالت شرعی و ولایت شرعی است، لازم است این اشکالات پاسخ داده شود. اشکال اول: به اجماع فقها وکالت، عقدی جایز است و هر یک از وکیل و موکل، هر وقت که بخواهند می‌توانند آن را فسخ کنند، درحالی که نمایندگی چنین نیست.^۴ پاسخ: هرگاه نماینده مجلس قصد کناره‌گیری از نمایندگی داشته باشد، می‌تواند با نوشتن استعفای خود، به این کار اقدام کند؛^۵ این نشان می‌دهد که وکالت در نماینده مجلس عقد لازم نیست. از سوی موکلین هم مسئله همین‌گونه است، یعنی اگر موکلین یک نماینده - که عبارت است از همه مردم آن منطقه حوزه انتخابی - تصمیم بگیرند نماینده را برکنار کنند، آن نماینده یا مجبور به استعفا می‌شود یا مجلس و نهادهای دیگر با ترتیب اثر دادن به خواست مردم، او را برکنار می‌کنند. البته این اتفاق تا به حال رخ نداده است.

۱. «مجلس شورای اسلامی که شما آقایان وکیل هستید از طرف ملت برای خدمت در آن بنگاه، باید آنکه دلخواه ملت است در آنجا طرح بشود» (صحیفه امام، ۳۴۴/۱۲)؛ «شما وکیل مردمی هستید که همه اسلام را می‌خواهند، و همه کشور خودشان را می‌خواهند. و شما باید برای این ملت خدمت بکنید، به آن چیزی که شما را وکیل کرده است خدمت بکنید. اگر انحراف پیدا کنید بر خلاف ملت، خیانت کرده‌اید به وکالتی که دارید.» موسوی خمینی (ره)، روح الله، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۵۱.

۲. «مردم مسلمان می‌توانند، برای تأمین منافع مادی کشور خود، شخصیا اشخاصی را به عنوان رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و... وکیل کنند»، جوادی آملی، عبدالله، نسیم اندیشه دفتر سوم، ص ۱۰۹؛ «مردم در امور عادی، فردی و اجتماعی، صاحب حق هستند و نحوه استیفای حقوقشان نیز از طریق وکالت نمایندگان مجلس، ریاست‌جمهور و دیگر شوراهاست»، همان، ص ۲۱۴.

۳. «انتخاب نماینده مجلس، به معنای وکیل قراردادن اوست در دفاع از حقوق اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی موکلین.» منتظری نجف آبادی، حسینعلی، رساله استفتائات، ج ۲، ص ۲۵۵.

۴. ملک‌افضلی اردکانی، محسن و طاهری، محسن و دهنوی، حسین، «ماهیت نمایندگی از منظر فقه سیاسی و قانون اساسی»، ص ۴۹.

۵. ماده ۹۰ آیین نامه داخلی مجلس: «هر نماینده که اعتبارنامه او به تصویب رسیده است می‌تواند از مقام نمایندگی استعفاء دهد. پذیرش استعفاء موکول به تصویب مجلس است.»



۱۳۷

بررسی فقهی منصب نمایندگی مجلس شورای اسلامی



اشکال دوم: در عقد وکالت، اگر موکل عملی را که مورد وکالت است، خود به شخصه انجام دهد، وکالت منفسخ می‌شود، اما در نمایندگی مجلس، این امکان وجود ندارد.^۱ پاسخ: درست است که در وکالت این شرط مطرح است که خود موکل هر زمان که اراده کرد بتواند به جای وکیل خود، کار مورد وکالت را انجام دهد، اما موکل می‌تواند از این حق خود، رفع ید کند و در مورد انتخاب نمایندگان این‌گونه است، یعنی مردم با آگاهی از قانون اساسی و تمکین به آن، از این حق رفع ید کرده‌اند.

اشکال سوم: در عقد وکالت، اگر وکیل، وکالت در توکیل داشته باشد، می‌تواند برای آن امر، به دیگری وکالت دهد درحالی‌که، سمت نمایندگی در حقوق عمومی، قائم به شخص است و قابل واگذاری به شخص دیگری نیست.^۲

پاسخ: ممکن است براساس قانون، نماینده، وکیل در وکالت هم باشد که در این صورت می‌تواند وکالت را به دیگری واگذار کند؛ حتی در فرضی که وکالت او در حقوق عمومی باشد هم می‌تواند وکالت را به دیگری واگذار کند؛ چون عمومات ادله وکالت، نسبت به این مورد اطلاق دارد.

برخی این اشکال را این‌گونه پاسخ داده‌اند: اگرچه سمت نمایندگی در قانون‌گذاری، امری قائم به شخص است و قابل انتقال به غیر نیست، ولی با این حال، مجلس می‌تواند در موارد ضروری اختیار وضع برخی از قوانین را با رعایت اصل ۷۲- انطباق با موازین شرع و اصول قانون اساسی - به تشخیص شورای نگهبان، به کمیسیون‌های داخلی خود واگذار کند. در این صورت این‌گونه قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌کند به صورت آزمایشی اجرا خواهد شد و تبدیل آنها به قوانین دائمی، با تصویب مجلس امکان‌پذیر است.^۳

اشکال چهارم: در عقد وکالت با مرگ هر یک از وکیل و موکل، عقد باطل می‌شود درحالی‌که، در نمایندگی مجلس چنین نیست.^۴

۱. ملک‌افضلی اردکانی، محسن و طاهری، محسن و دهنویی، حسین، «ماهیت نمایندگی از منظر فقه سیاسی و قانون اساسی»، ص ۴۹.

۲. همان.

۳. عمید زنجانی، عباسعلی، کلیات حقوق اساسی ایران، ص ۱۱۸.

۴. همان.

پاسخ: نماینده، وکیل تمام مردم یک منطقه است و با مرگ عده‌ای از آنان، وکالت او باطل نمی‌شود؛ چون موکل اینجا، تمام مردم آن منطقه است. براین اساس، اگر تمام مردم آن منطقه در اثر حادثه‌ای، جان خود را از دست دهند، نمایندگی آن نماینده ابطال می‌شود؛ چون دیگر موکلی ندارد که برای او نمایندگی کند.

اشکال پنجم: در عقد وکالت، وکیل نمی‌تواند عملی را که از حدود وکالت او خارج است انجام دهد درحالی‌که، هر نماینده نسبت به امور تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی اظهارنظر نماید.^۱

پاسخ: در هر موردی که نماینده‌ای در مجلس رای می‌دهد در واقع به نمایندگی از مردم حوزه انتخابی خود، نظرش را در آن مورد ابراز می‌کند؛ برآیند همه این نظرات، تصمیم نهایی در آن مورد را شکل می‌دهد، یعنی این‌گونه نیست که یک نماینده به‌تنهایی در یک مسئله داخلی یا خارجی نظری دهد که همان نظر تبدیل به قانون شود. البته این پاسخ بر فرض این است که مقصود از اظهارنظر، رای دادن و تصمیم‌گیری باشد، اما در صورتی که مراد از آن، صرف اظهارنظر باشد، نه فقط نماینده، بلکه هر فردی می‌تواند در همه مسائل داخلی و خارجی، اظهارنظر کند.

اشکال ششم: وکالت در حقوق خصوصی باید در امری داده شود که خود موکل بتواند آن را انجام دهد درحالی‌که، معمولاً نمایندگان مجلس از نخبگان و تحصیل‌کردگان جامعه هستند و مهم‌ترین وظیفه آنان یعنی قانون‌گذاری، ممکن است از عهده بسیاری از رای‌دهندگان برنیاید.^۲

پاسخ: به‌طور قطع در میان رای‌دهندگان به نماینده، کسانی هستند که توانایی‌های آن نماینده را در خود دارند و چه‌بسا در بسیاری از موارد افراد قوی‌تر از آن نماینده میان موکلین وجود دارد که به جهت عدم شهرت و یا ضعف تبلیغات و یا عدم میل شخصی، نتوانسته‌اند منصب نمایندگی را بر عهده بگیرند. براین اساس، همین که برخی از رای‌دهندگان توانایی قانون‌گذاری را دارند، کفایت می‌کند. اگر گفته شود: «در این صورت، نماینده باید وکیل از طرف همین عده خاص باشد، نه وکیل از طرف همه مردم»، پاسخ این است که مردم یک

^۱. همان.

^۲. همان.





حوزه انتخابیه، یک شخصیت حقوقی واحد دارند و آن عده خاص به مثابه یک ویژگی از این شخص حقوقی است.

آنچه در این جواب و جواب‌های دیگر باید توجه شود این است که در مورد نماینده مجلس، موکل یک نفر نیست، بلکه عده زیادی از مردم با سطوح مختلف علمی و اخلاقی و سیاسی هستند.

اشکال هشتم: در وکالت در حقوق خصوصی، حق الوکاله وکیل تابع قرارداد میان طرفین است و اگر نسبت به حق الوکاله یا مقدار آن قرارداد نباشد، تابع عرف و عادت است و اگر عادت مسلمی نباشد، وکیل مستحق اجرت المثل است درحالی که، در نمایندگی مجلس، حقوق نمایندگان از سوی دولت پرداخت می‌شود و چنین نیست که افراد هر منطقه‌ای جداگانه مبلغی را به عنوان اجرت به نماینده حوزه خود توافق کرده یا پردازند.^۱

پاسخ: حق الوکاله‌ای که دولت به نمایندگان پرداخت می‌کند، از مردم گرفته شده است و مردم با علم به اینکه دولت از پول‌هایی که از آنان می‌گیرد حق الوکاله نمایندگان را پرداخت خواهد کرد، نمایندگان را انتخاب کرده‌اند یعنی آنان با شرکت در انتخابات، در واقع، این مشی دولت را تأیید می‌کنند.

اشکال هشتم: اگر فاعل کاری را براساس وکالت از دیگری انجام دهد، اصالت رأی و تصمیم‌گیری از آن همان دیگری است و حدود کار فاعل، به تشخیص موکل بستگی دارد. به همین دلیل، در وکالت، موکل اصل و وکیل، فرع است درحالی که، در نمایندگی، نماینده، اصل است و این مردم هستند که باید تابع تصمیمات و قانون‌گذاری‌های نمایندگان باشند.^۲ پاسخ: مردم با علم به قوانین مربوط به وظایف و اختیارات نمایندگان در قانون اساسی و اینکه در صورت انتخاب شخصی به عنوان نماینده، تبعیت از قانون‌گذاری او لازم است، به نماینده رای می‌دهند. بنابراین آنان با اقدام خود در واقع از اصل بودن خود رفع ید می‌کنند و این اصالت را به نماینده منتخب می‌سپارند؛ چنان‌که در وکالت تام بلاعزل، نیز همین‌گونه است.

^۱. همان.

^۲. آهنگران، محمدرسول؛ صادق‌پور، محمدجعفر، «بررسی و نقد نظریه وکالت در عرصه ماهیت نمایندگی مجلس»، ص ۷۰۷-۷۳۰.



اشکال یازدهم: وکیل هرگز خود به عملی که به سبب وکالت انجام داده، محکوم نیست، ولی در نظام حکومتی، اعضای قوه مقننه و مجریه، بلکه خود شخص ولی فقیه، به رعایت همان قانونی ملزم هستند که جعل کرده‌اند.^۱

پاسخ: نمایندگان، اعضای قوه مقننه و مجریه و حتی شخص ولی فقیه، با علم به قوانین مربوط به لزوم تبعیت از مصوبات نمایندگان در قانون اساسی، در انتخابات نمایندگی مجلس شرکت می‌کنند و رای می‌دهند. بنابراین الزام آنها به رعایت مصوبات مجلس شورای اسلامی، هیچ ابهامی ندارد.

اشکال دوازدهم: وکالت تنها در مواردی صورت می‌پذیرد که آن مورد به طور کامل در اختیار موکل باشد. از این رو هیچ‌کس نمی‌تواند امر مشترک^۲ میان خود و دیگران را بدون اجازه آنها به صورت وکالت تام و مستقیم به شخص سومی تفویض کند.^۳

پاسخ: هر رای دهنده‌ای در واقع امری را که به طور کامل در اختیار خود اوست - یعنی حق حاکمیت و قانون‌گذاری مربوط به خود - در اختیار موکل می‌گذارد، نه امری را که مشترک میان خود و دیگران است. بله برآیند رای‌های همه مردم، واگذاری کامل حق مذکور خواهد بود که اشکالی در آن وجود ندارد.

اشکال سیزدهم: در وکالت شرعی، هم وکیل مشخص و معین است و هم موکل. همچنین مورد وکالت نیز آشکار و معین خواهد بود. اما در نمایندگی مجلس، معلوم نیست که موکل کیست؟ و موکل فیه چیست؟ زیرا مردم نمایندگان را با رای مخفی در انتخابات آزاد برمی‌گزینند و به این شکل مشخص نیست که چه کسانی به فلان نماینده رأی داده و او را وکیل خود کرده‌اند و چه کسانی، دیگری را برگزیده‌اند. علاوه بر این، بسیاری از مردم، حتی وظایف نمایندگان مجلس را نیز نمی‌دانند و به محدوده کار آنان واقف نیستند. اینها همه ابهاماتی است که در تطبیق وکالت بر نمایندگی مجلس وجود دارد.^۴

۱. همان.

۲. یعنی حق تصمیم‌گیری در امور مربوط به مصالح یک منطقه، که مشترک میان افراد آن منطقه است.

۳. آهنگران، محمدرسول؛ صادق‌پور، محمدجعفر، «بررسی و نقد نظریه وکالت در عرصه ماهیت نمایندگی مجلس»، ص ۷۳۰-۷۰۷.

۴. همان.

اشکال نهم: وکیل باید تنها در جهت منافع موکل اقدام کند و هرگز نمی‌تواند علیه موکل کاری مانند جعل مالیات و مانند آن انجام دهد درحالی‌که، نماینده هر شهری در مواردی که عمل به نفع و به مصلحت کشور، ولی به ضرر رأی دهندگان حوزه انتخابیه خود باشد، می‌تواند آن عمل را انجام دهد.^۱

پاسخ: مردم با علم به قوانین مربوط به وظایف و اختیارات نمایندگان در قانون اساسی و با علم به اینکه ممکن است نماینده به جهت مصالح کشور، رای بر ضرر رای دهندگان حوزه انتخابیه خود دهد، به او رای داده‌اند. بنابراین این نوع وکالت در واقع از ابتدا با این پیش‌فرض، صورت پذیرفته است. علاوه بر اینکه وقتی قانونی به مصلحت کشور باشد، اگرچه در ظاهر ممکن است تصور شود به ضرر آن حوزه انتخابیه است، اما به جهت آنکه نفع آن قانون به کشور خواهد رسید، در نتیجه امر، همان حوزه انتخابیه هم از آن قانون در کوتاه‌مدت یا درازمدت به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم منتفع خواهند شد. براین اساس، معلوم نیست چنین رای و قانونی به ضرر مردم آن منطقه باشد.

اشکال دهم: در شریعت مطهره، کسی که بالغ و عاقل باشد، توکیل او در هر امری مشروع و صحیح و جایز است؛ چه مرد باشد چه زن، چه پیر باشد چه جوان؛ اما برای نمایندگان، علاوه بر بلوغ، شرایطی همچون محدوده سنی خاص، مدرک تحصیلی و میزان تحصیلات ویژه، شرط شده است.^۲

پاسخ: شروط مازادی که در نامزدهای نمایندگی وجود دارد، به هیچ‌وجه مانع از صحت وکالت نیست؛ چون عمومات و ادله شرعی وکالت، اطلاق دارد و وکالت افرادی را هم که شرایط مذکور را داشته باشند، شامل می‌شود. بله ممکن است گفته شود چرا دیگران نمی‌توانند نامزد شوند؟ که البته این، مطلب دیگری است و ربطی به صحت یا عدم صحت وکالت در نمایندگان مجلس ندارد.

^۱. همان.

^۲. همان.



پاسخ: از آنجا که مجموع افراد هر حوزه انتخابیه، یک شخصیت حقوقی دارند، لازم نیست که به طور جزئی معلوم باشد که کدام فرد به نماینده رای داده و کدام فرد رای نداده است. براساس قانون اساسی، همین قدر که اکثریت موافق باشند، به معنای رای این شخصیت حقوقی به آن فرد است. افزون بر این، موکل فیه هم برای رای دهندگان مشخص است و همین برای صحت وکالت کفایت می‌کند و لازم نیست آنها به جزئیات هم آگاهی داشته باشند.

اشکال چهاردهم: اگر وکالت با ایجاب و قبول ایراد شود بدون شک، عقد است و اگر بدون صیغه ایراد شود، ایقاع یا اباحه در تصرف خواهد بود. بنابر تمامی دیدگاه‌های مطرح شده در این زمینه، حداقل رضایت موکل در وکالت شرط است. این در حالی است که در نمایندگی مجلس، گاه گروهی از مردم که اقلیت را تشکیل می‌دهند؛ با وجود عدم رضایت به وکالت فلان نماینده، باید به دلیل رای اکثریت، سر فرود آورند و او را به‌عنوان وکیل اجباری خویش بپذیرند و اصلاً پذیرش و عدم آنان هیچ ثمره‌ای ندارد.^۱

پاسخ: هر فردی که در رای‌گیری انتخابات مجلس شرکت می‌کند، می‌داند که طبق قوانین مربوط به انتخابات نمایندگان مجلس در قانون اساسی، در صورتی که شخص انتخاب شده، منتخب او نباشد، ولی از رای اکثریت برخوردار باشد، باید به وکالت او سر فرود آورد، و شخص رای‌دهنده با علم و تمکین به این قانون در انتخابات شرکت کرده است. بنابراین حتی اگر رضایت قلبی نداشته باشد، قطعاً رضایت قانونی دارد.

اشکال پانزدهم: این اشکال اصلی نظریه وکالت شرعی است. نظریه وکالت شرعی، از جهت رابطه‌اش با مردم بی‌اشکال است، اما برای توجیه ماهیت منصب نمایندگی، کافی نیست؛ زیرا باید وجه مشروعیت قانون‌گذاری را هم تبیین کند. به همین جهت، دو نظریه ترکیبی شکل گرفته است که وکالت، جزئی از نظریه قرارداد داده شده و جزء دیگر، در جهت توجیه وجه مشروعیت قانون‌گذاری برآمده است. این دو نظریه در ادامه ذکر می‌شود.

۱۳. وکالت قانونی به همراه اذن ولی فقیه

براساس این نظریه، ولی فقیه براساس اصل مشارکت مردم در اداره جامعه، بخشی از وظیفه تقنین و نظارت خود را طبق قانون اساسی، به نمایندگان مجلس، تفویض کرده است و از

^۱. همان.





طرفی، نمایندگان، از جانب مردم وکالت دارند تا حق مشارکت آنان در اداره جامعه را محقق سازند. براین اساس، ماهیت نمایندگی، وکالت قانونی، به همراه اذن از سوی ولی فقیه است.^۱ به نظر می‌رسد این نظریه، اولین بار در کتاب *کلمات سدیدة مرحوم آیت الله مؤمن مطرح شده است*.^۲

نقد

اشکال نظریه فوق این است که وجه مشروعیت تقنین از سوی نمایندگان را حل نکرده است و صرفاً مأذون بودن را به‌عنوان وجه جواز تقنین، معرفی کرده است درحالی‌که، مبنای مشروعیت، نفس اذن نیست، بلکه حقیقتی وراء آن است و آن حقیقت باید تبیین شود. در نظریه بعدی، این مسئله به‌طور شفاف تبیین خواهد شد.

۱۴. نظریه چهاردهم: وکالت شرعی از سوی مردم و ولایت شرعی از جانب ولی فقیه

این نظریه، ترکیبی از نظریه یازدهم و دوازدهم است به‌گونه‌ای که هر نظریه، نقصان نظریه دیگر را تکمیل کرده است. تبیین این نظریه، در واقع ضمن دو نظریه مذکور، صورت گرفته است؛ باین‌حال، در جمع‌بندی می‌توان گفت، براساس این نظریه، اداره جامعه در زمان غیبت، از جانب خداوند به ولی فقیه سپرده شده و این مهم نیازمند وضع قوانین در عرصه‌های مختلف جامعه است و از طرفی، شخص ولی فقیه - با توجه به تخصصی بودن برخی عرصه‌ها و نیز زمان‌بر بودن تقنین برای همه عرصه‌ها - نمی‌تواند در همه عرصه‌های مذکور به‌تنهایی وضع قانون کند. از این‌رو این مسئولیت را ناگزیر به جمعی واگذار می‌کند. برای تحقق منصب تقنین برای نمایندگان، ولی فقیه با تأیید و تنفیذ عامی که نسبت به قانون اساسی کرده است از یک‌سو - براساس اصل مشارکت مردم و طبق اصل ۶۲ قانون اساسی^۳ - حق انتخاب نمایندگان را به مردم تفویض کرده است و از سوی دیگر، به نمایندگان منتخب، ولایت در تقنین را تفویض کرده است. پس در واقع ولی فقیه با تأیید قانون اساسی، در موضوع تقنین، دو تفویض

۱. کعبی، عباس؛ حکیمی، سجاد، «ماهیت نمایندگی مجلس در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ص ۱۴۰.

۲. مؤمن قمی، محمد، *کلمات سدیدة*، ص ۲۰.

۳. اصل ۶۲: مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رای مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

غیرمستقیم ولایت انجام داده است: یکی به مردم در محدود انتخاب نمایندگان^۱ و دیگری، به نمایندگان منتخب در محدوده تقنین و امور مربوط به آن. رابطه مردم با نمایندگان، به همان بیانی که در تبیین نظریه وکالت شرعی گذشت، رابطه موکل با وکیل است و نماینده، وکیل شرعی از سوی آنان است. از این رو، بر نماینده مجلس شورای اسلامی، دو عنوان فقهی «وکیل» و «ولی» منطبق است. با این بیان، هم رابطه نمایندگان با مردم و هم رابطه نمایندگان با ولی فقیه و وجه مشروعیت قانون گذاری توسط نمایندگان تبیین شده است.

نتیجه گیری

در تبیین ماهیت نمایندگی لازم است به سه عنصر ولی فقیه، مردم و نماینده توجه شود؛ سه ضلع مثلث که هر کدام با دو عنصر دیگر ارتباط دارد، یعنی لازم است شش رابطه مورد توجه باشد: رابطه مردم با ولی فقیه و رابطه مردم با نماینده، رابطه نماینده با مردم و رابطه نماینده با ولی فقیه، رابطه ولی فقیه با مردم و رابطه ولی فقیه با نماینده. از میان نظریه هایی که ذکر شد، تنها نظریه چهاردهم قادر است به خوبی این شش رابطه را تبیین کند به گونه ای که براساس این نظریه، نسبت ولی فقیه به مردم و نماینده، نسبت ولایت و سرپرستی است؛ چنان که رابطه مردم با نماینده، رابطه موکل با وکیل است و مردم و نمایندگان از سوی ولی فقیه، دارای ولایت هستند. از طرفی، نماینده نسبت به مردم، وکیل شرعی و از سوی ولی فقیه، دارای ولایت است.

کتابنامه

۱. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، *تاریخ ابن خلدون*، بیروت: دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۲. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۴ش.

^۱ گفتنی است، ولایت بر این انتخاب، اولاً و بالذات در اختیار خود ولی فقیه است، ولی از باب مردم سالاری دینی و اجرای اصل مشارکت مردم و روش اداره جامعه، از طریق قوای سه گانه که خود ولی فقیه با تأیید قانون اساسی آن را تأیید و تنفیذ کرده است، ولی فقیه، این ولایت را در همین محدوده به مردم تفویض کرده است.





۱۴۶

دوفصلنامه تخصصی فقه نظام
سال دوم

شماره سوم

بهار و تابستان ۱۴۰۱

۳. امامی، حسن، حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامیة، بی تا.
۴. انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۵. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۴ش.
۶. آهنگران، محمدرسول؛ صادق پور، محمدجعفر، «بررسی و نقد نظریه وکالت در عرصه ماهیت نمایندگی مجلس»، پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۰، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، صص ۷۰۷ تا ۷۳۰.
۷. آهنگران، محمدرسول؛ صادق پور، محمدجعفر؛ میرید، علیرضا، «تحلیل ماهیت نمایندگی مجلس در نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۸۷، پاییز ۱۳۹۵ش.
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: نشر کتابخانه گنج دانش، چاپ یازدهم، ۱۳۸۰ش.
۹. جمعی از اندیشمندان، متن کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه اصلاحات ۱۳۶۸ش.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، نسیم اندیشه دفتر سوم، محقق: سید محمود صادقی، قم: نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۹ش.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۱۲. حبیب نژاد، احمد، نمایندگی مجلس؛ حقوق و وظایف، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۱۳. حسینی تهرانی، محمدحسین، ولایت فقیه در حکومت اسلام، مشهد: انتشارات علامه طباطبایی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
۱۴. حکمت‌نیا، محمود، آرای عمومی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.

۱۵. حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
۱۷. زارع خورمیزی، مهدیه، *بررسی ماهیت فقهی نمایندگی مجلس*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و حقوق، دانشگاه الهیات دانشگاه قم، پاییز ۱۳۹۱ش.
۱۸. طباطبایی فر، محسن، *وجوه فقهی نقش مردم در حکومت*، تهران: نشر نی، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.
۱۹. عمید زنجانی، عباس علی، *فقه سیاسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۴۲۱ق.
۲۰. _____، *کلیات حقوق اساسی ایران*، تهران: انتشارات مجد، چاپ چهارم، ۱۳۹۲ش.
۲۱. کربلانی حسن، ربابه، *بررسی ماهیت فقهی حقوقی نمایندگی مجلس شورای اسلامی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، زمستان ۱۳۹۰ش.
۲۲. کعبی، عباس؛ حکیمی، «سجاد»، *ماهیت نمایندگی مجلس در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه علمی پژوهشی *حکومت اسلامی*، شماره ۷۲.
۲۳. مدرس یزدی سید محمد علی، *تقریرات خارج فقه تقنین*، مقرر: محمدسهیل بهرام‌نوب، سال ۱۳۹۵ش؛ مرکز جامع علوم اسلامی ولی امر (عج).
۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی، *حقوق و سیاست در قرآن*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ش.
۲۵. _____، *نظریه سیاسی اسلام*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ ششم، ۱۳۸۲ش.
۲۶. ملک افضل اردکانی، محسن؛ طاهری، محسن؛ ده نوبی، حسین، «ماهیت نمایندگی از منظر فقه سیاسی و قانون اساسی»، فصلنامه علمی پژوهشی *حکومت اسلامی*، شماره ۷۱.
۲۷. منتظری نجف آبادی، حسینعلی، *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامية*، قم: نشر تفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.



۱۴۷

۲۸. _____ رساله استفتائات، قم: بی نا، چاپ اول، بی تا.
۲۹. موسوی خمینی (ره)، روح الله، تحریر الوسیلة، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ اول، بی تا.
۳۰. _____ صحیفه امام (ره)، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، بی تا.
۳۱. _____ کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، بی تا.
۳۲. مؤمن قمی، محمد، کلمات سدیة، بی جا، بی تا.
۳۳. نائینی غروی، محمدحسین، تنبیه الأمة و تنزیه الملة، محقق / مصحح: سیدجواد ورعی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.

